

متن پرسش

سلام علیکم: استاد ضمن عرض تبریک و تسلیت به خاطر ایام اربعین حسینی (ع) بعد از مدتی به سایت وزین حضرت عالی سر زدم و اتفاقا آن پرسش در مورد تسخیر لاله جاسوسی چشمم را گرفت. من با مطالبی که این دوست مان گفتند از چند سال پیش آشنا بودم. پاسخ حضرت عالی جامع و حکیمانه بود ولی در مورد چیزهایی که دوستان می گویند «تازه فهمیدیم یا تازه مشخص شده» خواستم جسارتا چند نکته هم اضافه کنم که اتفاقا خلاف تحلیل دوست مان است. این که کارتر با دولت موقت همکاری می کرده و به رسمیت شمرده است ریشه در ارتباطاتی داشته که امریکا از طریق سفارت های مختلفش و سازمان سیا از ماه ها قبل از انقلاب با ملی مذهبی ها برقرار کرده بود. این که نقل شده بنی صدر از چند ماه قبل انقلاب گفته بود در ایران انقلاب میشه و من رئیس جمهور می شوم ریشه در همین هماهنگی ها داشته است! بعید نیست مخالفت بنی صدر با بازرگان هم ریشه در رقابت شخصی دو نفوذی امریکا داشته است! واقعیت این است ابرقدرت ها ویژگی که دارند سعی می کنند تا جایی که می توانند در گروه های اپوزیسیون دولت های متحد خود نفوذ کنند تا اگر دولت متحد شکست خورد و اپوزیسیون جای آن را گرفت دولت جدید هم تابع آنها باشد ولی این طوری خلق الله را فریب دهند که انگار دولت بده رفت حالا یک دولت خوب آمد در صورت که در پشت پرده چیزی عوض نشده! این کاری بود که امریکا به نحو مودیانه ای داشت با انقلاب اسلامی هم می کرد! دوستان عنایت داشته باشند همین ارتباطات وسیع کارتر از قبل انقلاب با ملی مذهبی ها که دور امام را گرفته بودند اصلا در خیلی از علاقه مندان و هم دشمنان انقلاب باعث نضج این تئوری توطئه شد که اصلا انقلاب ایران کار امریکا بوده و حضرت امام (ره) نفوذ بالله عامل سازمان سیا بوده اند! عنایت داشته باشید دولت کارتر حتی با شهید بهشتی و برخی دیگر از نمایندگان روحانی امام نیز ارتباط گرفته بود منتها اینها به خاطر تدین و تعهدشان به انقلاب اصلا به قول معروف دم به تله ندادند. حتی امام حاضر شده بودند در نوفل لوشاتو از طریق جناب ابراهیم یزدی با نماینده کارتر مکاتب محرمانه داشته باشند اما در متن مکاتبات هم مشخص است امام خواسته های امریکا از جمله پذیرش بختیار و تاخیر انداختن بازگشت به ایران را نمی پذیرند. اما به نظر می رسد اگر واقعا هدف انقلاب اسلامی نه فقط سرنگونی شاه بلکه رقم زدن یک انقلاب تمدنی علیه استکبار غرب و شرق بوده اتفاقا رهایی از سیطره ملی مذهبی های امریکایی بر جریان انقلاب اهمیتی بس عمیق داشته است. این که امام در برابر حلقه ملی مذهبی هایی که ایشان را گرفته بودند منفعل نشدند و مواضع ضد استکباری خویش را حفظ کردند و با جلب حمایت عمومی توانستند سکه ملی مذهبی ها را از رونق بندازند فکر کنم یک

هنرنمایی سیاسی بزرگ بود که فقط از عهده شخصیت الهی ایشان بر می آمد. حمایت از اشغال سفارت در واقع تایید ضدیت انقلاب با امریکا و به طور ضمنی محکوم کردن امریکا-دوستی ملی مذهبی ها و دولت موقت بود. و البته بدیهی است وقتی امام بخواهند این حلقه نفوذ را از دور خودشان و از انقلاب باز کنند امریکا که به خیال خود از پنجره آنها می خواسته به ایران برگردد به شدت عصبانی شود و ناگهان صد و هشتاد درجه تغییر موضع دهد و سعی در سرکوب انقلاب داشته باشد! دقت کنیم در خاطرات ژنرال هایزر آمده بود که حتی قبل از انقلاب گزینه نهایی کارتر برای مهار انقلاب در صورت شکست دولت بختیار کودتا و سرکوب خونین رهبران و مردم بود منتها مجدداً به خاطر هنرنمایی امام نه دولت بختیار کارش گرفت نه به خاطر ایجاد تزلزل در ارتش در هفته های آخر آنها توانستند کودتا کنند! یعنی این دفعه اول نبود که امام نقشه های امریکا را نقش بر آب کردند! و دفعه آخر هم نبود! و البته وقتی هدف نه فقط سرنگونی شاه که عقب راندن شیطان بزرگ باشد چنان که حضرت عالی اشاره کردید هزینه ها بسیار بیشتر خواهد شد و ابتلاء عظیم تر و تردیدها بیشتر مثل تردیدهایی که جناب مرحوم هاشمی و دولت فعلی بدان گرفتار شدند. به قول استاد اینجا فقط با توحید و معنویت ناب امام (ره) می شود کار را پیش برد و به آینده روشن این حرکت پر ابتلاء نظر کرد! ببخشید استاد عزیز! درس پس دادیم و زیاده گویی کردیم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده برای آن کاربر محترم این طور نوشتم: باسمه تعالی: سلام علیکم: تا حدی در آن زمان که بحث گروگان گیری مطرح بود مطالعاتی داشتم. ولی خواستم بدون ورود به موارد ریز و جزئی عرض کنم در این موارد به هویت ذات استکباری امریکا فکر می کنم و از نظر خودم این را یک نگاه ایدئولوژیک نمی دانم. هرچند معتقدم آری! «نگاه ایدئولوژیک به تاریخ و بستن راه نقد از طریق مقدس سازی شخصیت هاست» ما را در حجاب تفکر می برد. همان طور که در آخر می فرمایید حتی تضمین هایی که امریکا در قرداد الجزایر داد، عمل نکرد.

چرا فتنه های سفارت امریکا را به مجامعی می بردیم که کلیت آن مجامع در مسیر حفظ منافع ابر قدرت هاست، ولی به ظاهر بهداشتی و دیپلماسی. آثار باقی مانده از سفارت به طور عجیبی حکایت از فتنه هایی می کند که هرگز نمی توانستیم آن ها را با تعطیل کردن آن سفارت خنثی کنیم.

در آخر نظر یکی از کاربران محترم را که در رابطه با سؤال جنابعالی کمی ریزتر وارد موضوع شده اند را ارسال می دارم ولی معتقدم در نظر به هر رخدادی باید به جایگاه تاریخی آن رخداد نظر بفرمایید که در نسبت با لانه ی جاسوسی، تقابل دو جریان است: یکی استکبار و دیگری انقلاب اسلامی. به همین جهت نباید انقلاب اسلامی را در بستر مناسبات فرهنگ استکباری و مجامع جهان استکبار دنبال کرد و انتظار داشته باشیم در آن بسترها می توان انقلاب را محفوظ داشت. موفق باشید. و سپس نظر شما را

در آخر ارسال کردم. موفق باشید